آنچه در زیر میخوانید، متن سخنرانی یک تن از رفقای مهمان (خارج از تشکیلات سازمان کارگران افغانستان) در محفل به مناسبت 35 مین سالگرد شهادت رفیق مجید کلکانی میباشد. رفیق مذکور متن زیر را در محفلی که سازمان ما به مناسبت 35 مین سالگرد شهادت رفیق مجید کلکانی برگزار نموده بود، ارائه نمود.

حرکت بیان زندگیست

زندگی در حرکت معنا میگردد وحرکت بدون شک بازتاب بودن وزندگیست.بودن وحرکت نکردن اعلام جنازه است.

دراین بحث کوتاه ومجمل سخن ما برسرحرکت ساده ویا کلیت آن نیست،زیرا بحث وبیان در رابطه به حرکت یک کار اکا دمیک وتخصصی است.نقطه عطف ما دراین بحث روی حرکت سیاسی است که انسان بمثابه عالی ترین موجود محصول تکامل طبعیت دربرابر ناهنجاری های سیاسی واجتماعی از سپیده دمان جامعه انسانی برای تغیر ودگر گونی ها حرکت ومبارزه کرده است .با این هم هنوز قامت بشریت در زیر مظالم مختلف خم است ،یعنی انسان هنوز در قلمرو جبر زندگی دارد ،نه درقلمروی اختیار واین وضعیت نشان میدهد که تا انسان شدن هنوزراه دراز ومبارزه سنگینی درپیش است .با این هم در موقعیت کنونی که ما قرار داریم وتا اینجا رسیده ایم ،این محصول مبارزه وتلاش انسان است و چه انسان های که تا رسیدن به این جا فدا شده اند.فرماسیون های تاریخی تا این جا که بشریت رسیده است به خودی خود بدون حرکت وقربانی تعویض و تبدیل نشده اند.این همه به بهای خون وجان انسان ها بدست آمده است که به هیچ وجه هنوز انسانی وقانع کننده نیست،اما نسبت به مراحل ماقبل خود مترقی تر است.هنوز که هنوز است بی عدالتی در نهایت آن جریان دارد .این نشان میدهد که رسالت انسان ناتمام است و تا محو بی عدالتی ها نسل به نسل باید ادامه یابد تا به جامعه واقعا» انسانی برسیم. در فرماسیون های تاریخی که انسان تا کنون پشت سرگذاشته است اگر به ماهیت آن عمیق شویم فقط درتبدیل هرفاز تاریخی زنجیر ها ورنگ آن تعویض شده است .با این هم مبارزه انسان ها خالی از دستاورد نبوده است.در مبارزه طبقات استثمارگرناگزیر شده ، از اندک امتیازات طبقاتی خود اغماض کرده اند و این یک گام به پیش بوده است.مارکس ویا دیگر پیشوایان کاروان مبارزه بر ضد ظلم ،استعمار واستثمار گفته اند که انسان با ساختن نخستین ابزار تولید از دنیای حیوانی جداگردید ،اگر جسارت کودکانه پنداشته نشود میتوانیم علاوه نماییم که انسان بعد از آنکه در برابر بی عدالتی استاد و نه گفت دنیایی حیوانی وروش حیوانی را نپذیرفت.زیرا که حیوانات تا هنوز قادر به چنین واکنش آگاهانه نشده اند.انسان های که وضعیت غیر انسانی حاکم بر جامعه شان را نمی پذیرند و در برابر آن بخاطر تغیر حرکت می کنند پیشکسوتان اند که سزاوار تحسین اند وحرکت شان در تأریخ ثبت وهزاران دیگر را مسیر می بخشد.

در کشور ما چنین انسانهای برازندۀ در مقاطع معین تاریخی برای سکانداری کشتی مردم و حرکت در پیشا پیش آنها ظهور کرده اند ونقش ارزندۀ خود شان را در رهنمونی مردم بسوی روشنایی وزندگی ایفاکرده اند،اما تکامل عالی این پیش کسوتی درحرکت های سیاسی ،فکری رفیق مجید کلکانی، رهبر سازمان آزادیبخش مردم افغانستان (ساما)برمبنای نا موس تکامل بسیار برازنده ومطابق نیاز ،زمان بوده است. او برای مبارزه برعلیه سوسیال امپریالیسم روس ونوکران بومی اش گردان پیش آهنگی را تشکیل داد ونبرد رهایی بخش را آگاهانه برمبنای علم انقلاب بسیار دقیق آغاز کرد که در تاریخ مبارزات خلق کشور ما بی نظیر و بی پیشینه بوده است.مجید با چنان تهور انقلابی پا به عرصه کار زار آزادی میهن گذاشت وبه عالی ترین شکل مبارزه که همان جنگ مسلحانه است دست زد که بسیاری از مبارزان به ظاهر انقلابی از نام جنگ فرار کردند،اما او توفان سواری کرد.مجید نه تنها که در راستای مبارزه مسلحانه بخاطر نجات میهن پیشگام گردید بلکه در عرصه تیوری نیز خلاقیت خود را در تلفیق علم انقلاب باتحلیل درست از شرایط خاص جامعه خودی بطور بینظیری در عمل نشان داد که این خدمت اش بنظر ما بمرات با اهمیت از جنگ مسلحانۀ اوست.مجید برای اولین بار،راه انقلاب مردم افغانستان را به روشنفکران دگم اندیش نشان داد که انقلاب از کدام مسیر میگذرد وافغانستان ،افغانستان است وباید مطابق واقعیت های موجود برخورد صورت گیرد وواقعیت های سرسختی که در ان وجود دارند باید به آنها توجه کرد وهنرعبور از این دشوار گذر را آموخت.فهم و درک این واقعیت بسیار مهم است.اگر حزب یا سازمانی آنرا رعایت نکند راهش به باتلاقیست و برامدن از آن ناممکن .

راهکار تیوری مشی مستقل ملی مجید درمورد انقلاب افغانستان بینش عمیق او را درمورد جامعه شناسی وروان شناسی کشورش برازنده می کند که با چه ژرف بینی به مراحل انقلاب توجه کرده است.

کسانی که به انقلاب با ورندارند وهیچگا هی رسک آنرا هم نمی کنند و همواره دگم های خود را جدا ،از وقعیت نشخوار می کنند ،مشی مستقل ملی را یک تافتۀ جدا بافته از علم انقلاب میدانند.آنها برحق اند بخاطری که قصد انقلاب کردن راندارند از این جهت با هیچ مشکلی هم مواجه نیستند.چون که از توده ها دور اند وبا آنها کاری ندارند،اما کسانی که می خواهند انقلاب کنند وبخاطر آن مبارزه می کنند باید تیوری انطباقی را بدانند.به باور من مشی مستقل ملی که مجید آنرا مطرح کرده است همان تیوری انطباقی است ..مجید غواص بحر انقلاب و اندیشه بود که از اعماق صدف صید میکرد

مجید را اگرچه وطن فروشان از ما گرفتند ،اما راه واندیشه اودرتاریخ مبارزات آزادیخواهانه کشور ما چون رود بار خروشان تداوم یافته است وتا بیکرانه های زمان جاریست.همین اکنون که دقیق 35سال از شهادت او میگذرد ،ما از آن یاد میکنیم و بخون او بار دیگر تجدید تعهد می کنیم که در راهش تا محو کامل بی عدالتی مبارزه می کنیم.

فکر واندیشه مجید فانوس بزرگیست فرا راه مبارزان راستین خلق ستم کشیده ما.تجاوز امپریالست ها در رأس همه ایالات متحدۀ امریکا به کشور ما، یک بار دیگر ضرورت انسجام ،یکپارچگی ووحدت رزمنده را برازنده کرده است وما باید صفوف خود را فشرده تر سازیم و به پراگندگی ها پایان دهیم.

از مجید یاد کردن ولی راه او را ترک کردن کار را بجایی نمی برد.دشمنان خلق ما به نیرنگ های مختلف کشور ومردم ما را به تباهی می کشانند،با این همه داشته های بزرگ که ما از پشکسوتان ما به ارث گرفته ایم ،دربرابر این ستم بزرگ که همه را متأثر کرده ومیکند حرکت نکردن وبهانه های مختلف آوردن کار نادرست ودر حقیقت بنحوی رضایت نشان دادن به وضعیت جاریست واستعمار جهانی وپادوان بومی اش از آن بهره گیری می کنند وبر ستمگری شان علیه کشور ما می افزایند.

درفش پر افتخار مجید تا کنون بر زمین نیفتاده است ونسل به نسل تا به این جا ،رسیده است .ما رسالت دار وامانت دار آن هستیم وباید آنرا در حال اهتزاز به نسل های مابعد خویش سالم تسلیم نماییم تا وجدان راحت بعد مرگ به گور خود آرام بگیریم.

کسانی هستند که از نام مجید استفاده می کنند ،اما سخن ما متفاوت از آنها است.ما مجید را فکر واندیشه انقلاب افغانستان می شناسیم و به این اساس است که او را گرامی میداریم.

راه ما ،دید ما ،متفاوت از دکانداران سیاسی است واین حقیقت روز به روز روشنتر میگردد.

با سرود جاودان مجید که :یا مرگ یا آزادی ، سخنانم را دراین جا خاتمه میدهم.